



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: دانیال

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۷

با توجه به اینکه هستی از نیستی به وجود نمی‌آید و نیستی به هستی تبدیل نمی‌شود، خداوند چگونه مخلوقات را آفریده است؟ آیا خداوند مخلوقات را از وجود خودش آفریده است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۱۲

به کدام دلیل و بر چه اساسی هستی از نیستی به وجود نمی‌آید؟! آیا خداوند قادر نیست که چیزی را از صفر بیافریند و تنها قادر به تغییر چیزی به چیز دیگر است؟! پس فرق او با انسان چیست؟! ﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ﴾^۱؛ «او منزّه و برتر از چیزی است که وصف می‌کنند». این انسان است که قادر نیست چیزی را از صفر به وجود آورد و تنها می‌تواند چیزی را به چیز دیگر تبدیل کند و تصوّر شما ناشی از قیاس خداوند با انسان است، در حالی که ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۲؛ «خداوند بر هر کاری تواناست» و برای آفرینش، نیازی به ماده و ابزار ندارد؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۳؛ «هرگاه آفرینش چیزی را اراده کنیم تنها به آن می‌گوییم: باش، پس می‌باشد»؛ همچنانکه مثلاً عیسی علیه السلام را بدون پدر آفرید و این آفرینش موجود از عدم محسوب می‌شود؛ چنانکه فرموده است: ﴿قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ ۚ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۴؛ «(مریم) گفت: پروردگارا! چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد در حالی که هیچ انسانی من را لمس نکرده است؟! فرمود: بدین سان خداوند هر چیزی که می‌خواهد را می‌آفریند، هرگاه چیزی را مقدر کند، تنها به آن می‌فرماید: باش، پس می‌باشد».

۱. الأنعام / ۱۰۰

۲. البقرة / ۲۰

۳. النحل / ۴۰

۴. آل عمران / ۴۷

بلکه آفرینش انسان در آغاز نیز آفرینش موجود از عدم بوده؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا﴾^۱؛ «آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را از پیش آفریدیم در حالی که هیچ چیز نبود؟!» و روشن است که بهترین دلیل برای امکان یک چیز، وقوع آن است. وانگهی اگر آفرینش موجود از عدم ممکن نباشد، تسلسل لازم می‌آید که محال است؛ چراکه هر موجودی برای پیدایش به موجودی دیگر از سنخ خود نیاز خواهد داشت و این زنجیره تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت که ممکن نیست. بنابراین، خداوند دست کم موجود اول را از عدم آفریده است؛ با توجه به اینکه ممکن نیست آن را از خودش آفریده باشد؛ چراکه از یک سو تغییر، تجزیه و تناسل در خداوند محال است و از سوی دیگر خداوند با مخلوق خود سنخیتی ندارد تا علت پیدایش او از طریق تغییر یا تجزیه یا تناسل باشد، در حالی که سنخیت میان علت و معلول برای چنین پیدایشی ضروری است.

از اینجا دانسته می‌شود که خداوند قطعاً موجود اول را از عدم آفریده، همچنانکه ممکن است موجودات دیگری را نیز از عدم آفریده باشد. این همان «بدأ الخلق» به معنای آغاز آفرینش است که در کتاب خود از آن خبر داده و فرموده است: ﴿إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾^۲؛ «او آفرینش را آغاز می‌کند و سپس آن را بر می‌گرداند» و فرموده است: ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾^۳؛ «بگو آیا از انبازان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند و سپس آن را برگرداند؟ بگو خداوند آفرینش را آغاز می‌کند و سپس آن را بر می‌گرداند، پس به کجا روی می‌گردانید؟!» و فرموده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ﴾^۴؛ «و او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند و سپس آن را بر می‌گرداند و این برایش آسان‌تر است» و علت آسان‌تر بودنش آن است که آغاز آفرینش از عدم بوده، در حالی که برگرداندنش از وجود است؛ با توجه به اینکه برگرداندنش به معنای ترکیب اجزاء موجود پس از تجزیه است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ۚ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾^۵؛ «و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، گفت: چه کسی استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟! بگو همان کسی آن‌ها را زنده می‌کند که بار نخست آن‌ها را به وجود آورد و او به هر آفرینشی داناست» و فرموده است: ﴿أَفَعَبِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾^۶؛ «آیا از آفرینش نخستین درمانده شدیم؟! بلکه آنان در شکی نسبت به آفرینش جدید هستند».

۱. مریم / ۶۷

۲. یونس / ۴

۳. یونس / ۳۴

۴. الزوم / ۲۷

۵. یس / ۷۸ و ۷۹

۶. ق / ۱۵

این نکته‌ای معقول و منطبق بر کتاب خداوند است که امامان اهل بیت نیز بر آن تأکید کرده‌اند؛ چنانکه به عنوان نمونه، در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الْمُبْدِيُّ لَهَا لَا مِنْ شَيْءٍ، وَالْمُنْشِئُ لَهَا لَا مِنْ شَيْءٍ، ابْتَدَعَهَا خَلْقًا مُبْتَدَأًا ... ابْتَدَعَ مَا خَلَقَ بِلا مِثَالٍ سَبَقَ وَلَا تَعِبَ وَلَا نَصَبَ وَكُلَّ صَانِعٍ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ صَنَعَ وَاللَّهُ لَا مِنْ شَيْءٍ صَنَعَ مَا خَلَقَ»؛^۱ «خداوند یگانه‌ی بی‌نیاز، آغازگر آفرینش از هیچ و پدیدآورنده‌ی آن از هیچ است، آن را به صورت آفرینشی از آغاز ابداع کرد ... چیزی که آفرید را بدون الگوی قبلی و بدون زحمت یا مشقتی ابداع کرد، در حالی که هر سازنده‌ی چیزی آن را از چیزی می‌سازد، ولی خداوند چیزی که آفرید را از هیچ ساخت» و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ، وَلَا مِنْ شَيْءٍ كَوَّنَ مَا قَدْ كَانَ»؛^۲ «ستایش خداوندی راست که از چیزی پدید نیامد و چیزی که پدید آمد را از چیز دیگری پدید نیاورد» و در روایتی از فاطمه علیها السلام آمده است: «ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلُهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلا اخْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٍ امْتَثَلَهَا»؛^۳ «خداوند چیزها را بی‌هیچ چیزی که پیش از آن‌ها باشد ابداع کرد و آن‌ها را بدون هیچ الگویی که از آن پیروی کند پدید آورد» و در روایتی از امام ابو جعفر باقر علیه السلام آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ عَالِمًا قَدِيمًا خَلَقَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ وَمَنْ رَعِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنْ شَيْءٍ فَقَدْ كَفَرَ، لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ ذَلِكَ الشَّيْءُ الَّذِي خَلَقَ مِنْهُ الْأَشْيَاءَ قَدِيمًا مَعَهُ فِي أَرْلِيَّتِهِ وَهُوَ بَيْتُهُ، كَانَ ذَلِكَ الشَّيْءُ أَرْلِيًّا، بَلْ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لَا مِنْ شَيْءٍ»؛^۴ «هرآینه خداوند تبارک و تعالی همواره عالم بوده و وجود داشته است، چیزها را از هیچ آفرید و هر کس گمان کند که خداوند بلندمرتبه چیزها را از چیزی دیگر آفریده، کافر شده است؛ زیرا اگر آن چیز دیگر که چیزها را از آن آفریده از ازل با او وجود داشته، آن هم ازلی بوده است، بلکه خداوند بلندمرتبه چیزها را از هیچ آفرید» و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «فَقَالَ السَّائِلُ: فَالشَّيْءُ خَلَقَهُ مِنْ شَيْءٍ أَوْ مِنْ لَا شَيْءٍ؟ فَقَالَ: خَلَقَ الشَّيْءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَلَوْ خَلَقَ الشَّيْءُ مِنْ شَيْءٍ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ انْقِطَاعٌ أَبَدًا، وَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ إِذَا وَمَعَهُ شَيْءٌ وَلَكِنْ كَانَ اللَّهُ وَلَا شَيْءَ مَعَهُ»؛^۵ «پرسش‌کننده پرسید: خداوند چیزی که آفرید را از چیز دیگری آفرید یا از هیچ؟ فرمود: آن را از هیچ آفرید و اگر از چیز دیگری می‌آفرید تا بی‌نهایت ادامه می‌یافت و همواره چیزی با خداوند وجود می‌داشت، در حالی که خداوند بود و هیچ چیز با او نبود» و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «اللَّهُ خَالِقُ الْأَشْيَاءِ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ»؛^۶

۱. المعيار والموازنة للإسكافي، ص ۲۵۶؛ الفارات لإبراهيم بن محمد الثقفي، ج ۱، ص ۱۷۳؛ الكافي للكليني، ج ۱، ص ۱۳۵؛ التوحيد لابن بابويه، ص ۴۳
 ۲. التوحيد لابن بابويه، ص ۶۹
 ۳. السقيفة وفدك للجوهري، ص ۱۴۰؛ دلائل الإمامة للطبري الإمامي، ص ۱۱۱؛ كشف الغمة للإربلي، ج ۲، ص ۱۰۹
 ۴. علل الشرائع لابن بابويه، ج ۲، ص ۶۰۷
 ۵. التوحيد لابن بابويه، ص ۶۷
 ۶. الكافي للكليني، ج ۱، ص ۱۱۴؛ التوحيد لابن بابويه، ص ۱۴۳



«خداوند آفریننده‌ی چیزها از هیچ است» و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «إِنَّمَا خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ وَلَا سَبَبٍ اخْتِرَاعًا وَابْتِدَاعًا»؛^۱ «جز این نیست که خداوند چیزها را بدون هیچ نیاز یا وسیله‌ای آفرید به صورت اختراعی و ابداعی» و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «لَا يَكُونُ الشَّيْءُ لَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا اللَّهُ وَلَا يَنْقُلُ الشَّيْءُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا يَنْقُلُ الشَّيْءُ إِلَّا الْعَدَمُ إِلَّا اللَّهُ»؛^۲ «هیچ کس جز خداوند چیزی را از هیچ پدید نمی‌آورد و هیچ کس جز خداوند چیزی را از وجود به عدم منتقل نمی‌کند» و در روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ الْأَشْيَاءِ إِنْشَاءً وَمُبْتَدِعِهَا ابْتِدَاعًا بِقُدْرَتِهِ وَحِكْمَتِهِ لَا مِنْ شَيْءٍ فَيَبْطُلُ الْإِخْتِرَاعُ وَلَا لِغِلَّةٍ فَلَا يَصِحُّ الْإِبْتِدَاعُ»؛^۳ «ستایش خداوندی راست که چیزها را به صورت انشاء پدید آورده و به صورت ابداع آفریده است با قدرت و حکمتش، نه از چیزی تا اختراع باطل شود و نه با ابزاری تا ابداع صدق نکند» و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «إِنَّ خَالِقَ هَذَا الْخَلْقِ لَطِيفٌ لَطَفٌ بِخَلْقِ مَا سَمَّيْنَاهُ بِلاَ عِلَاجٍ وَلَا أَدَاةٍ وَلَا آلَةٍ وَإِنَّ كُلَّ صَانِعٍ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ صَنَعَ وَاللَّهُ الْخَالِقُ اللَّطِيفُ الْجَلِيلُ خَلَقَ وَصَنَعَ لَا مِنْ شَيْءٍ»؛^۴ «هرآینه خالق این خلق لطیف است و لطفش را در آفرینش چیزهایی که گفتیم بدون نقشه یا ابزار یا ماده متجلی ساخته است، در حالی که سازنده‌ی هر چیزی، آن را از چیزی ساخته، ولی خداوند خالق لطیف جلیل، از هیچ چیز آفریده و ساخته است».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. التوحید لابن بابویه، ص ۱۷۰

۲. التوحید لابن بابویه، ص ۶۸

۳. الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۱۰۵؛ عیون أخبار الرضا لابن بابویه، ج ۱، ص ۱۱۸

۴. الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۱۲۰؛ التوحید لابن بابویه، ص ۹۸

